

بررسی نقش آگاهی فراشناختی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز صفاشهر

رضا ابدام

دانشجوی دکترا علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد اراک

مجتبی دهدار

دانشجوی دکترا علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد اراک

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش آگاهی فراشناختی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز صفاشهر می باشد. جامعه آماری شامل ۳۵۲ نفر از دانشجویان می باشد که ۱۱۳ نفر آنها پسر و ۲۳۹ نفر آنها دختر و روش نمونه گیری نیز تصادفی طبقه ای است که برای تجزیه تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است. یافته های این پژوهش بیانگر آن است که آگاهی فراشناختی با پیشرفت تحصیلی ارتباط معناداری دارد و نمره کل آگاهی فراشناختی و مؤلفه پنج گانه آن با پیشرفت تحصیلی رابطه دارد و از بین آنها مؤلفه ی فقدان اعتماد شناختی به حافظه و همچنین میزان آگاهی فراشناختی در بین پسران و دختران متفاوت است و لذا میزان آگاهی فراشناختی دختران بیشتر است.

واژه های کلیدی: آگاهی فراشناختی، پیشرفت تحصیلی، مسئولیت ذهنی

مقدمه:

امروزه یکی از مهمترین مؤلفه های توسعه، توسعه نیروی انسانی است. توسعه در بعد انسانی آن به متعالی کردن عناصر ذهنی انسان برای آمادگی و زندگی بهتر در روابط اجتماعی می پردازد. بنابراین توسعه مستلزم آموزش، به ویژه در بعد انسانی آن است. نظر به این اهمیت، دولت ها و متعاقب آن وزارت آموزش و پرورش و متولیان دیگر آموزش، نمی توانند در مورد آن بی توجه باشند. لذا هدف نهاد آموزش در هر کشوری معمولاً رسیدن به بهره وری بیشتر است. بهره وری در سیستم آموزش، به ویژه در مقطع عالی به پیشرفت تحصیلی اشاره دارد. یکی از عوامل مطرح شده در پیشرفت تحصیلی می تواند آگاهی فراشناختی، باشد.

«فراشناخت، دانش درباره ی فرایندهای شناختی و چگونگی استفاده بهینه از آنها برای رسیدن به اهداف یادگیری است» (Butler and etal, 1991). «فراشناخت هم دانش آشکاری است که افراد درباره ی منابع شناختی خود دارند و هم به خود تنظیمی کاوشگرانه ای که هنگام استفاده از این دانش می توانند بکار گیرند توجه دارد و این مفهوم کلی از فراشناخت که توسط بروان مطرح شده است را آگاهی فراشناختی نامیده اند» (efklids, 2006).

«فراشناخت نقشی اساسی در یادگیری موفقیت آمیز ایفا می کند. روش و مهارت های یادگیری به راهبردهای (به یک نقشه کلی یا مجموعه ای از عملیات که برای رسیدن به هدف معینی طرح ریزی شده است، راهبرد گفته می شود) که به شناختی و

فراشناختی تقسیم می‌شود. یادگیرنده‌ی ماهر، کسی است که هم به روش‌های شناختی مجهز است و هم به روش‌های فراشناختی. شناخت و فراشناخت دو مفهوم مکمل یکدیگرند؛ شناخت به فرایندهایی اشاره می‌کند که ما به کمک آنها یاد می‌گیریم، فکر می‌کنیم و به یاد می‌آوریم اما فراشناخت به دانش ما درباره فرایندهای شناختی خودمان و چگونگی استفاده بهینه از آنها برای رسیدن به هدف‌های یادگیری گفته می‌شود. دانش فراشناختی می‌تواند به فرد امکان دهد که یادگیری خود را مدیریت کند، چرا که راهبردهای فراشناختی، تدبیرهایی هستند برای نظارت بر راه‌های یادگیری و هدایت آن راه‌ها، این راهبردها به ما می‌گویند که برای سهولت بخشیدن به فرایند یادگیری، یادآوری و سازمان دادن داشته‌ها، از چه راه‌هایی استفاده کنیم درست همان‌گونه که کار یک مدیر عامل در سازمان، اداره سازمان است، کار یک فرد نیز مدیریت بر تفکر و اندیشه خود است و دانش فراشناختی این امکان را به فرد می‌دهد تا این توانایی را به دست آورد» (flavell, 1979,p13).

بیان مسأله:

«آگاهی فراشناختی عبارت است از دانش آشکاری که افراد درباره‌ی منابع شناختی خود دارند و نیز به خودتنظیمی کاوشگرانه‌ای که هنگام استفاده از این دانش می‌توانند بکار گیرند توجه دارد. در این مفهوم کلی فراشناخت را که توسط براون مطرح شده است، آگاهی فراشناختی نامیده اند» (brown, bransford, ferrara, 1983). و همچنین طبق نظر براون این دو مؤلفه عبارتند از: ۱- دانش درباره شناخت (Knowledge About Cognition) ۲- تنظیم شناخت (Regulation of Cognition). ولز و همکاران ابعاد آگاهی فرا شناختی را به پنج بعد تقسیم کردند که عبارت‌اند از: ۱- باورهای مثبت در مورد نگرانی ۲- باورهای منفی در مورد نگرانی ۳- اطمینان شناختی کم ۴- باورهای منفی در مورد افکار ۵- مشغولیت ذهنی و خود آگاهی شناختی.

«عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی عمدتاً شامل سلامت روانی، متغیرها و ویژگی‌های شخصیتی، استعداد و توانایی افراد، انگیزه، خودپنداره‌ی افراد، موقعیت و محیط خانواده، امکانات آموزشی و سواد والدین است» (دل‌اورپور، ۱۳۸۶، ص ۳۷). و نیز «علاوه بر عوامل فوق می‌توان به برنامه درسی، تحصیلات عمومی معلمان، مدت زمان تحصیل در مدرسه و منزل، سازمان و تسهیلات مدرسه، انگیزه تجارب گذشته، موقعیت و محیط یادگیری، تمرین و تکرار و آمادگی عواملی هستند که در پیشرفت تحصیلی محصلان مؤثرند» (Zimmerman, 1998). «هدف اساسی نظریه‌های فراشناختی کمک به دانش‌آموزان برای اندیشیدن و پرورش مهارت فکر کردن است وقتی شخصی که فکر می‌کند مسئول رفتار خود می‌باشد تصمیم می‌گیرد یک مسأله را انتخاب نموده و به جستجوی راه‌حل‌های موجود را بررسی، دنبال، کنترل، قضاوت و ارزیابی نماید و خود را مسؤول همه این مراحل می‌داند» (امینی زرار، ۱۳۸۶). از طرفی پیشرفت تحصیلی فقط در سایه داشتن یک فکر و ذهن آماده برای یادگیری و ایجاد انگیزه برای پیشرفت حاصل می‌شود. با توجه به اهمیت و توجهی که اخیراً توسط روان‌شناسان به میزان تأثیر فراشناخت بر پیشرفت تحصیلی نشان داده‌اند. و این امر در پژوهش‌های متعدد نیز به تأیید رسیده است که گویای تأثیر مستقیم آگاهی فراشناختی بر پیشرفت تحصیلی می‌باشد. بدین‌گونه که هر فردی که نسبت به فراشناخت خود آگاه‌تر و مهارت استفاده از آن را در موفقیت‌های دشوار داشته باشد می‌تواند از پیشرفت تحصیلی بهتری برخوردار باشد. و متعاقباً می‌تواند از توانایی خود در راه انجام بهتر وظایف در امر تحصیل و یادگیری استفاده کند. این بیانات و یافته‌ها، اهمیت پرداختن به این‌گونه پژوهش‌ها را دوچندان می‌کند تا با نشان دادن اهمیت تأثیر کاربرد فراشناخت بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجوین گام مؤثری در راستای افزایش میزان بازدهی و کارایی آنان در مقاطع مختلف تحصیلی برداشته شود.

پیشینه پژوهش:

ایورسون و توبیاس (Everson & Tobius, 1998) نشان دادند که داشتن مهارت خودتنظیمی و فراشناختی با پیشرفت تحصیلی بالا همراه است. فولاد جنگ (۱۳۸۴) نیز در تحقیق خود نشان داده که یادگیری مهارت های فراشناختی بالا در بالا بردن قدرت حل مسأله دانش آموزان مؤثر است.

(سواستون، soaston، به نقل از برکوک و همکاران، Borkovec, T. D., Ray, Worry, 1987). نشان دادند که فراشناخت نقش اساسی را در یادگیری موفقیت آمیز ایفا می کند. به منظور بررسی فعالیت فراشناختی معین مؤلفه های مؤثر در تفکر حل مسئله دانش آموزان از طریق کنترل فراشناختی، مطالعه یادگیری موفقیت آمیز دارای اهمیت است.

پژوهش زیمرمن (Zimmerman, 1990)، نشان می دهد که میان خودآگاهی شناختی و یادگیری ارتباط مثبت وجود دارد و خود آگاهی شناختی لازمه یادگیری است.

نتیجه پژوهش رحمانی (۱۳۸۰) نشان داد که استراتژی های شناختی، توانایی، پیش بینی مثبت و معناداری از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بدست می دهند. در پژوهشی دیگر که توسط صالحی و فرزاد (۱۳۸۴) در رابطه بین فراشناخت و عملکرد یادگیری زبان انگلیسی صورت گرفت نشان داده شد که فراشناخت با عملکرد یادگیری زبان انگلیسی رابطه معنادار دارند و همچنین مشخص شد که بین دانشجویان قوی و ضعیف در درس زبان انگلیسی از جهت فراشناخت تفاوت معنادار وجود دارد.

متیوس و همکاران (۱۹۹۹) دریافتند که کسانی که توانش شناختی پایین تری دارند، نسبت به اضطراب امتحان آسیب پذیری بیشتری دارند و مشخص شد که فراشناخت رویارویی متمرکز بر هیجان و نگرانی، شاخص های پیش بین، قابل توجهی برای تنش و نگرانی نامربوط به امتحان و علائم بدنی همراه با اضطراب امتحان است.

نتیجه پژوهش امینی (۱۳۸۶)، بیابانگرد (۱۳۸۱)، نیز نشان داد که میان باورهای مثبت در مورد نگرانی و کنترل ناپذیری، توانستن شناختی و باورهای منفی عمومی (در مورد مسئولیت، خرافات و تنبیه) با شکایات نیز همبستگی مثبت وجود دارد. امینی رابطه بین فراشناخت با پیشرفت تحصیلی را نیز مثبت بدست آورد. یعنی هر چه دانش آموزان دارای توانایی بالاتر در بکارگیری راهبردهای فراشناختی باشند از پیشرفت تحصیلی بالاتری در یادگیری برخوردارند.

امینی بیشترین همبستگی در بین خرده مقیاس های آگاهی فراشناختی را با سلامت روان، خرده مقیاس دوم آگاهی فراشناختی یعنی کنترل ناپذیری و خطر بدست آورد.

در پژوهشی که توسط خیر و حسینی (۱۳۸۷) در زمینه قابل پیش بینی بودن پیشرفت تحصیلی و سلامت روان از روی آگاهی فراشناختی انجام داده اند به این نتیجه دست یافتند که پیشرفت تحصیلی از روی آگاهی فراشناختی قابل پیش بینی است و رابطه مثبت و معناداری بین این دو متغیر بدست آمد.

طیبی در سال ۱۳۸۷ در پژوهش خود نشان داد که از بین مؤلفه های آگاهی فراشناختی مؤلفه های باورهای منفی در مورد نگرانی نقش بیشتری بر پیشرفت تحصیلی دارد و نیز آگاهی فراشناختی به صورت مثبت و معنادار پیشرفت تحصیلی را پیش بینی می کند. که بین چهار مؤلفه فراشناختی (باورهای منفی در مدد نگرانی، باورهای کنترل ناپذیری و خطر باورهای درباره ی توانایی شناختی و باورهای منفی عمومی) با پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار با چهار مؤلفه ذکر شده وجود دارد.

اهداف پژوهش:

هدف کلی:

هدف کلی از انجام این پژوهش بررسی نقش آگاهی فراشناختی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه پیام نور مرکز صفاشهر می‌باشد.

اهداف جزئی:

- ۱- تعیین میزان رابطه بین بعد باورهای مثبت نسبت به نگرانی آگاهی فراشناختی و پیشرفت تحصیلی.
- ۲- تعیین میزان رابطه بین باورهای منفی نسبت به نگرانی آگاهی فراشناختی و پیشرفت تحصیلی.
- ۳- تعیین میزان رابطه بین بعد فقدان اعتماد شناختی به حافظه و توانایی شناختی و پیشرفت تحصیلی.
- ۴- تعیین میزان رابطه بین بعد مشغولیت ذهنی پیرامون پردازش افکار خود آگاهی شناختی و پیشرفت تحصیلی.
- ۵- تعیین میزان رابطه بین بعد باورهای منفی درباره افکار خرافی، تنبیه و مسئولیت‌پذیری از آگاهی فراشناختی و پیشرفت تحصیلی.
- ۶- مقایسه ابعاد مختلف آگاهی فرا شناختی در بین دانشجویان دختر و پسر.

روش پژوهش:

پژوهش حاضر توصیفی است و به شیوه پیمایشی انجام می‌گیرد. پژوهش‌گر پس از مراجعه به دانشکده و با رفتن سر کلاس‌های انتخاب شده، توضیحی در مورد نحوه پاسخ‌گویی به سؤالات ارائه نمود. در مرحله بعد، سؤالات پرسش‌نامه‌ها توسط پژوهش‌گر بین دانشجویان توزیع گردید. و آنها پاسخ‌های مورد نظر خود را بر روی پرسش‌نامه‌ها علامت زدند.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری:

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور شهرستان صفاشهر در سال تحصیلی (۸۹-۸۸) می‌باشد، حجم جامعه آماری ۳۵۲ نفر می‌باشد. تعداد نمونه (۱۸۶ نفر) براساس جدول مورگان انتخاب گردید و روش انتخاب نمونه، نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای می‌باشد که نمونه از بین رشته‌های (مدیریت دولتی، مدیریت بازرگانی، حسابداری، روان‌شناسی عمومی، حقوق، ادبیات فارسی و علوم اجتماعی، الهیات، آمار، کامپیوتر، تاریخ) انتخاب گردید. بدین صورت که بر حسب نسبت حجم دانشجویان هر بخش به صورت تصادفی، کلاس‌هایی از آنها از ترم دوم و بالاتر به عنوان نمونه انتخاب گردید.

ابزارهای پژوهش:

ابزاری که در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز، استفاده شد عبارتند از: پرسش‌نامه فراشناخت MCQ-۳۰ که در ادامه به توضیح ویژگی‌های روایی و پایانی آن پرداخته می‌شود. (well, Matthews, 1997). پرسش‌نامه فراشناخت - ۳۰ سؤالی به منظور سنجش میزان آگاهی فراشناختی دانشجویان از پرسش‌نامه MCQ (کارت‌رایت - هاتون و ولز ۱۹۹۷، ص ۱۲). استفاده شد. این پرسش‌نامه برای سنجش تفاوت‌های بین فردی که در مورد باورهای مثبت و منفی نسبت به نگرانی و افکار مزاحم وجود دارد ساخته شد، دلیل دیگر ساختن این پرسش‌نامه برای نظارت فراشناختی و قضاوت در مورد کارآمدی شناختی

بود. (شیرین زاده دستگیری، ۱۳۸۵، ص ۱۳) پرسش‌نامه‌ی فراشناخت بر اساس مدل S-REF ولز و متیوس (Well, Matthews). ساخته شده است.

نمره گذاری پرسش نامه فراشناخت MCQ-30:

پاسخ‌ها در مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت نمره گذاری می‌شود. یعنی برای گزینه الف نمره یک، برای گزینه ب، نمره دو؛ برای گزینه ج، نمره سه و برای گزینه د، نمره چهار را در نظر می‌گیرند. (آناستازی، ۱۳۷۱).

پایایی و روایی پرسش نامه: MCQ-30:

به منظور بررسی پایایی این پرسش‌نامه خیر و حسینی (۱۳۸۷)، ضریب آلفای کرباخ را محاسبه کردند. میزان ضریب آلفای برای کل پرسش‌نامه ۰.۸۲٪ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰.۵۸٪ تا ۰.۸۳٪ را بدست آوردند.

«روایی پرسش‌نامه نیز از طریق تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس مورد بررسی قرار گرفت، مقدار ضریب KMO ۰.۷۷٪ و مقدار خی آزمون بارتلت ۱۷۵۲/۵۰ محاسبه شد و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود که نشان از وجود شواهد کافی برای انجام تحلیل عوامل داشت. نتایج تحلیل عاملی در کل پنج عامل با ارزش‌های ویژه‌ی بالاتر از یک بود که مشخص می‌کند همسو با پرسش‌نامه اصلی است. ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش بالاتر از یک بوده است.» (خیر و حسینی، ۱۳۸۷).

بررسی نتایج اصلی در راستای فرضیه‌های پژوهش:

فرضیه اول: عنوان فرضیه عبارت است از این که بین میزان آگاهی فراشناختی و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یافته‌های جدول (۱-۱) نشان می‌دهد که بین نمره کل آگاهی فراشناختی و پیشرفت تحصیلی به صورت مثبت و معنادار رابطه وجود دارد.

جدول (۱-۱) رابطه بین آگاهی فراشناختی و پیشرفت تحصیلی

سطح معناداری	میزان همبستگی	متغیر پیشرفت تحصیلی
$p < / 0.1$	۰/۹۷	نمره کلی آگاهی فراشناختی

فرضیه دوم: عنوان فرضیه عبارت است از این که بین بعد باورهای مثبت نسبت به نگرانی آگاهی فراشناختی و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یافته‌های جدول ۱-۲ بیانگر آن است که بین نمره باورهای مثبت در مورد نگرانی و پیشرفت تحصیلی به صورت مثبت و معنادار رابطه وجود دارد.

جدول (۲-۱) رابطه بین باورهای مثبت نسبت به نگرانی و پیشرفت تحصیلی

سطح معناداری	میزان همبستگی	متغیر پیشرفت تحصیلی
$p < / 0.1$	۰/۸۵	باورهای منفی در مورد نگرانی

فرضیه سوم: عنوان فرضیه عبارت است از این که بین بعد باورهای منفی نسبت به نگرانی آگاهی فرا شناختی و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یافته‌های جدول ۱-۳ نشان می‌دهد که بین نمره باورهای منفی در مورد نگرانی و پیشرفت تحصیلی به صورت مثبت و معنادار رابطه وجود دارد.

جدول (۳-۱) رابطه بین باورهای منفی نسبت به نگرانی و پیشرفت تحصیلی

سطح معناداری	میزان همبستگی	متغیر پیشرفت تحصیلی
$p < / 0.1$	۰/۷۵	باورهای مثبت در مورد نگرانی

فرضیه چهارم: عنوان فرضیه عبارت است از این که بین بعد فقدان اعتماد شناختی و حافظه و توانایی شناختی و پیشرفت تحصیلی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. یافته‌های جدول ۱-۴ بیانگر آن است که بین نمره فقدان اعتماد شناختی به حافظه و توانایی شناختی و پیشرفت تحصیلی به صورت مثبت و معنادار رابطه وجود دارد.

جدول (۴-۱) رابطه بین فقدان اعتماد شناختی و پیشرفت تحصیلی

سطح معناداری	میزان همبستگی	متغیر پیشرفت تحصیلی
p</ ۰۱	۰/۸۷	مشغولیت ذهنی پیرامون پردازش افکار

فرضیه پنجم: عنوان فرضیه عبارت است از این که بین بعد مشغولیت ذهنی پیرامون پردازش افکار خود آگاهی شناختی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های جدول ۱-۵ نشان می‌دهد که بین نمره مشغولیت ذهنی پیرامون پردازش افکار خود آگاهی شناختی و پیشرفت تحصیلی به صورت مثبت و معنادار رابطه وجود دارد.

جدول (۵-۱) رابطه بین مسئولیت ذهنی پیرامون پردازش افکار و پیشرفت تحصیلی

سطح معناداری	میزان همبستگی	متغیر پیشرفت تحصیلی
p</ ۰۱	۰/۹۹	فقدان اعتماد شناختی

فرضیه ششم: عنوان فرضیه عبارت است از این که بین بعد باورهای منفی درباره افکار خرافی، تنبیه و مسئولیت‌پذیری از آگاهی فراشناختی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های جدول ۱-۶ بیانگر آن است که بین نمره باورهای منفی درباره افکار خرافی، تنبیه و مسئولیت‌پذیری و پیشرفت تحصیلی به صورت مثبت و معنادار رابطه وجود دارد.

فرضیه هفتم: عنوان فرضیه عبارت است از این که بین ابعاد مختلف آگاهی فراشناختی میان دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد. یافته‌های جدول ۱-۷ نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف آگاهی فراشناختی در بین دختران و پسران تفاوت وجود دارد و فرضیه هفتم پژوهش، مورد تأیید قرار گرفت.

جدول (۶-۱) رابطه بین باورهای منفی درباره افکار و پیشرفت تحصیلی

سطح معناداری	میزان همبستگی	متغیر پیشرفت تحصیلی
$p < / 0.1$	۰/۸۲	باورهای منفی افکار

جدول (۷-۱) داده ها بر اساس تفاوت دختر و پسر در ابعاد مختلف آگاهی فراشناختی:

ابعاد جنسیت	باورهای مثبت در مورد نگرانی	باورهای منفی در مورد نگرانی	فقدان اعتماد شناختی	باورهای منفی در مورد انکار	مشغولیت ذهنی پیرامون افکار خود آگاهی
مرد	۷۲/۱	۴۹/۳	۵۰/۵	۶۳/۴	۷۲/۲
زن	۵۳/۳	۶۸/۷	۵۹/۶	۷۵/۶	۹۳/۵

بحث و تفسیر یافته‌ها:

با توجه به داده‌های جدول ۱-۱ از آنجا که مقدار پیشرفت تحصیلی به نمره کل فراشناخت از نظر میزان همبستگی ۰/۹۷ و در سطح معناداری $P < / 0.1$ می باشد و بیانگر آن است که بین میزان آگاهی فراشناختی و میزان پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد.

این یافته همسو با پژوهش‌های ابورسون و تو بیاس (۱۹۹۸)، برکوسکی و همکاران (۱۹۸۷)، زیمرمن (۱۹۹۸)، اروم رود (۲۰۰۰)، شومر (۱۹۹۳)، افلایدز (۲۰۰۶) و همچنین پژوهش‌های خیر و حسینی (۱۳۸۷)، طیبی (۱۳۸۷)، امینی (۱۳۸۶)، دلاورپور (۱۳۸۶)، صالحی و همکاران (۱۳۸۴)، و فولاد چنگ (۱۳۸۴) می باشد واز سوی دیگر مغایر با نتایج بررسی بعضی از پژوهش‌گران از جمله، گاتا (۱۹۸۹) به نقل از دلاورپور (۱۳۸۶)، پنتریج، اسمیت، گارسیا و مک کیجی، اسپر لینک و همکارانش (۲۰۰۴) می باشد. برای تأمل در این مغایرت باید به نکات زیر توجه کرد در توجیه این مغایرت باید به تفاوت در ابزار مورد استفاده برای سنجش میزان آگاهی فراشناختی نیز تفاوت فرهنگی بین جوامع و نیز تفاوت در سیستم آموزشی جوامع اشاره کرد. بعنوان مثال: در ایران یادگیری دانش‌آموزان بیشتر بر اساس محفوظات می باشد حال آنکه در جوامع غربی بیشتر یادگیری بر اساس شناخت شکل می گیرد. لذا مهارت‌های فرا شناختی نیز در تأثیر گذاری بر پیشرفت تحصیلی در جوامع مختلف می تواند متفاوت عمل کند. نتایج نشان می دهد که بین توانایی فراشناختی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان همبستگی وجود دارد و از روی میزان آگاهی فرا شناختی می توان پیشرفت تحصیلی آنان را پیش بینی کرد و هرچه توانایی استفاده از راهبردهای خود تنظیمی بیشتر باشد بیشتر قادر خواهند بود که در تحصیل موفق باشند.

با توجه به داده‌های جدول ۱-۱ از آنجا که مقدار پیشرفت تحصیلی به نمره باورهای مثبت درمورد نگرانی آگاهی فرا شناختی از نظر میزان همبستگی $0/75$ و در سطح معناداری $P < /0/1$ می‌باشد که فرضیه پژوهش تأیید شده و بیانگر آن است که بین میزان باورهای مثبت درمورد نگرانی آگاهی فراشناختی و میزان پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد.

این نتیجه با نتایج پژوهش‌های خیر و حسینی (۱۳۸۷)، دلورپور (۱۳۸۶)، طیبی (۱۳۸۷)، همسو می‌باشد. پژوهش‌های خارجی بدلیل عدم تفکیک بین مؤلفه‌ها در اعلام نتایج اشان نمی‌توان در اثبات این فرضیه و فرضیه‌های بعد به آنها استناد کرد. در تبیین این فرضیه باید به این اصل توجه داشت که کمی نگرانی برای انجام هر کاری لازم است به ویژه برای منظم بودن در کارها، ایجاد و جا انداختن مطالب گفته شده در حل مشکلات شخصی و تحصیلی لازم است که در حد نرمال نگران بود تا بتوان کارها را به نحو احسن انجام داد. در اینجا نیز دانشجویانی که دارای نمره بالا در این مؤلفه بودند از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردار بودند. با توجه به اینکه فراشناخت امری درونی و ذهنی است و منظم کردن اطلاعات در ذهن نیز برای یادآوری ضروری است لذا با آموزش و تأکید بر فراشناخت می‌توان در پیشرفت تحصیلی آنان دخیل بود.

با توجه به داده‌های جدول ۱-۱ از آنجا که مقدار پیشرفت تحصیلی به نمره باورهای منفی درمورد نگرانی آگاهی فرا شناختی از نظر میزان همبستگی $0/85$ و در سطح معناداری $P < /0/1$ می‌باشد که فرضیه پژوهش تأیید شده و بیانگر آن است که بین میزان باورهای منفی در مورد نگرانی آگاهی فراشناختی و میزان پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. و مقدار کمی نگرانی که لازمه یادگیری است موجب می‌شود که فرد نسبت به نگرانی خود، آگاه باشد که اگر این نگرانی بیش از حد شود موجب کاهش یادگیری می‌گردد. که در این پژوهش نیز مصداق پیدا کرد و وجود رابطه منفی بین یادگیری و مؤلفه باورهای منفی در مورد نگرانی را نشان داد. در تبیین این یافته باید به این مطلب اشاره کرد که به علت گرایش پژوهش‌گران به بررسی نقش کلی آگاهی فراشناختی در زمینه پیشرفت تحصیلی و عدم توجه به بررسی خرده مقیاس‌ها در تحلیل نتایج خود و دسترسی به پیشینه پژوهشی در این زمینه با مشکل مواجه هستند. و تنها به نتیجه پژوهش طیبی (۱۳۸۷) می‌توان اشاره کرد که رابطه منفی و معنادار را برای فرضیه بدست آورده است. همانگونه که از گویه‌های این مؤلفه می‌توان دریافت وجود نگرانی زیاد در مورد مسائل بویژه افکار می‌تواند در عملکرد افراد تأثیر بگذارد یک فکر که دائماً مورد واری قرار می‌گیرد و فرد بدون وقفه از آن آگاه است موجب ایجاد محدودیت فکری و عدم ایجاد یک تفکر وسیع در مسائل می‌شود، لذا موجب می‌شود که اکثر اوقات نتواند به ساماندهی فکری دست یابد. و این امر موجب کاهش تمرکز، متعاقب آن کاهش و پایین آمدن سطح پیشرفت تحصیلی در دانشجویان می‌شود.

با توجه به داده‌های جدول ۱-۱ از آنجا که مقدار پیشرفت تحصیلی به نمره فقدان اعتماد شناختی به حافظه آگاهی فراشناختی از نظر میزان همبستگی $0/99$ - و در سطح معناداری $P < /0/1$ می‌باشد که فرضیه پژوهش تأیید شده و بیانگر آن است که بین میزان فقدان اعتماد شناختی به حافظه و توانایی شناختی و میزان پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. هرچه اطمینان به میزان یادگیری در افراد کمتر باشد مجبورند تلاش بیشتری را برای یادگیری مطالب صرف کنند. لذا آگاهی فراشناختی در مورد میزان توانایی حافظه می‌تواند موجب افزایش پیشرفت تحصیلی دانشجویان گردد. همانند فرضیه قبل برای این فرضیه به دلیل ذکر شده پژوهش‌های پیشین وجود ندارد و فقط طیبی (۱۳۸۷) به چنین تفکیکی دست زده است. که وجود رابطه منفی و معنادار بدست آورده است. در تبیین این فرضیه باید در نظر داشت که ارزش افراد و توانایی آنها زمانی حاصل می‌شود که اطمینان و اعتماد به نقش افراد ایجاد شود لذا زمانی که فردی برای یادگیری به حافظه خود برای یاد سپاری مطالب اعتماد ندارد و نمی‌داند که چیزی را که به حافظه خود می‌فرستد و سعی در حفظ آن دارد در حافظه‌اش باقی خواهد ماند یا نه، نمی‌تواند یک یاد گیرنده موفق در امر تحصیل باشد لذا میزان پیشرفت تحصیلی‌اش پایین خواهد آمد.

با توجه به داده‌های جدول ۱-۱ از آنجا که مقدار پیشرفت تحصیلی به نمره مشغولیت ذهنی پیرامون پردازش افکار خود آگاهی شناختی از نظر میزان همبستگی $0/87$ و در سطح معناداری $P < /0.1$ می‌باشد که فرضیه پژوهش تأیید شده و بیانگر آن است که بین میزان مشغولیت ذهنی پیرامون پردازش افکار خود آگاهی شناختی و میزان پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. و آگاهی در مورد افکار و باز بینی کلان آنها و آگاه شدن از نمره کارکرد ذهنی افراد موجب تمرکز سیستم ذهنی افراد در یادگیری می‌شود که در این پژوهش نیز این مؤلفه رابطه مثبت و معنادار بدست آمد که مؤید این مطلب می‌باشد. در تبیین این نتیجه باید در نظر داشت که هر چه افکار منظم‌تر و فرد نسبت به میزان شناخت خود آگاه‌تر باشد و به سازماندهی افکار خود دست بزند و بفهمد که کی، کجا و در مورد چه چیزهایی فکر کند و بتواند به مدیریت فکر و ذهن خود دست بزند مسلماً بهتر می‌تواند در یادگیری موفق باشد و متعاقباً پیشرفت تحصیلی‌اش نیز موفقیت آمیزتر خواهد بود. که در این پژوهش نیز دانشجویانی که دارای مشغولیت فکری و آگاهی شناختی بالایی بودند از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردار شده‌اند.

با توجه به داده‌های جدول ۱-۱ از آنجا که مقدار پیشرفت تحصیلی به نمره باورهای منفی درباره‌ی افکار خرافی، تنبیه و مسئولیت‌پذیری از نظر میزان همبستگی $0/82$ و در سطح معناداری $P < /0.1$ می‌باشد که فرضیه پژوهش تأیید شده و بیانگر آن است که بین میزان باورهای منفی درباره افکار خرافی تنبیه و مسئولیت‌پذیری و میزان پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. و هرچه در کنترل افکار ناتوانتر باشد و با این باور که فرد نمی‌تواند افکار نگران کننده خود را کنترل کند تمرکز روی یادگیری‌اش سخت‌تر می‌شود و خود را برای عدم تمرکز مقصر می‌داند. لذا پیشرفت تحصیلی کمتری را خواهد داشت. در تبیین این رابطه باید در نظر داشت که این مؤلفه به باورهای فراشناختی فرد در مورد کنترل ناپذیری افکار و اینکه افکار باید به منظور عملکرد خوب و بهره‌مندی از سلامت روان کنترل شود مربوط می‌شود لذا باورهای مرتبط با کنترل ناپذیری و خطر منجر به کاهش احساس کنترل شخصی گردیده و متعاقباً باعث افزایش مشکلات مربوط به یادگیری تکالیف می‌گردد. اهمیت باور فراشناختی کنترل ناپذیری را می‌توان از جنبه دیگر نیز مورد توجه قرار داد که این باور فراشناختی باعث می‌شود افراد در مورد توانایی‌ها و عملکردشان تردید بیشتری کنند و دشواری‌ها و مشکلات بیشتری را در مورد خود قائل شوند. همچنین فعال شدن این باور می‌تواند تأثیر بسیار زیادی در ابعاد مختلف یادگیری در افراد داشته باشد.

از یافته‌های جدول ۲-۱ می‌توان فهمید بین ابعاد مختلف آگاهی فراشناختی در بین دختران و پسران تفاوت وجود دارد. و با توجه به نحوه یادگیری، انگیزه یادگیری، توجه به جنبه‌های مختلف یادگیری، اهمیت دادن جامعه به یادگیری دانشجویان دختر و پسر، میزان رشد جنبه‌های مختلف آگاهی فراشناختی در آنان متفاوت می‌باشد. تفاوت دانشجویان دختر و پسر در فرضیه دوم یعنی بعد باورهای مثبت در مورد نگرانی که در پسرها $72/1$ و در دخترها $53/3$ می‌باشد و در نتیجه پسرها میانگین بالاتری را کسب کرده‌اند که بیانگر مثبت‌اندیشی‌تر بودن مردان به اضطراب و نگرانی و استفاده از آن برای پیشبرد یادگیری می‌باشد.

تفاوت دانشجویان دختر و پسر در فرضیه سوم یعنی باورهای منفی در مورد نگرانی، (پسرها $49/3$ و دخترها $68/7$)، برعکس فرضیه اول، دختران نمره میانگین بالاتری را کسب کرده‌اند که در تبیین این نتیجه باید به حساس‌تر و مهم‌تر بودن مسائل یادگیری برای دختران اشاره کرد و اینکه آوردن نمره بالاتر همواره دغدغه بیشتری را برای دختران به همراه داشته است. تفاوت دانشجویان دختر و پسر در فرضیه چهارم یعنی فقدان اعتماد شناختی در پسرها $50/5$ و در دخترها $59/6$ می‌باشد که در نتیجه دختران نمره بالاتری را کسب کرده‌اند چون دختران بیشتر به صورت طوطی وار مسائل را یاد می‌گیرند و کمتر به صورت عمیق و دقیق به مطالعه می‌پردازند و همچنین کمتر به شناخت خود در مورد یادگیری اعتماد دارند. تفاوت دانشجویان دختر و پسر در فرضیه پنجم یعنی باورهای منفی در مورد افکار خرافی و مسئولیت‌پذیری که در پسران $63/4$ و در دخترها $75/6$ می‌باشد و در نتیجه، میانگین نمره دخترها بالاتر از پسران بود که دختران چون نسبت به خود کنترلی و قبول مسئولیت در مورد مسائل گوناگون کمتر از پسران در جامعه مطرح بوده‌اند و کمتر بخاطر سوگیری‌های جنسیتی در جامعه توانسته‌اند اعتماد به نفس خود را بدست بیاورند لذا دچار افکار خرافی بیشتری نسبت به پسران می‌گردند. تفاوت دانشجویان دختر و پسر در فرضیه ششم یعنی

بعد مشغولیت ذهنی پیرامون پردازش افکار و خود آگاهی شناختی که در پسرها ۷۲/۲ و در دخترها ۹۳/۵ می باشد، دختران دارای میانگین بالاتری نسبت به پسران شده اند. در تبیین این نتیجه باید به این مورد نظر داشت که با توجه به حساس تر بودن دختران در قوه گفتار و مورد پذیرش شدن از طرف دیگران بویژه پسران، لذا دختران همواره در مورد قوه فکر و تفکر در مورد مسائل گوناگون بیشتر حساسیت نشان می دهند.

منابع:

- آناستازی، ا. (۱۳۷۱). روان آزمایی، ترجمه محمد تقی برهانی، انتشارات دانشگاه تهران
- امینی، زرار محمد (۱۳۸۶). بررسی رابطه باورهای فراشناختی با سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال ششم، شماره ۱۹، ۱۵۴-۱۴۱
- بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۸۱). تحلیلی بر فرا شناخت و شناخت درمانی، فصلنامه تازه های علوم شناختی، شماره چهارم، ۶۹-۷۶
- خاکی غلامرضا، (۱۳۸۴). روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- خیر، محمد؛ سادات حسینی، فریده، (۱۳۸۷). پیش بینی بهداشت روانی با توجه به باورهای فراشناختی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز، مجموعه مقالات سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان. ۱۵۸-۱۵۴
- دلاورپور، محمد آقا، (۱۳۸۶). پیش بینی آگاهی فراشناختی و پیشرفت تحصیلی براساس جهت گیری هدف پیشرفت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- رحمانی، خدامراد (۱۳۸۰). بررسی رابطه باورهای انگیزشی و راهبردهای خود تنظیمی با پیشرفت تحصیلی در درس تاریخ و ریاضی در میان دانش آموزان نابینا و بینا مقطع راهنمایی شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- شیرین زاده، دستگیری، صمد (۱۳۸۵). مقایسه باورهای فراشناختی و مسولیت پذیری در بیماران دچار اختلال وسواسی - اجباری، اضطراب منتشر به افراد نرمال، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- فولاد چنگ، محبوبه (۱۳۸۴). بررسی تاثیر آموزش فراشناختی بر پیشرفت درس ریاضی، فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره چهارم، ۱۵۰-۱۶۲.
- صالحی، رضا؛ فرزاد، ولی الله (۱۳۸۴). مطالعه رابطه فراشناخت و ادراک یادگیری با عملکرد زبان انگلیسی، مجله روان شناسی، سال هفتم، شماره ۳، ۲۷۰-۲۸۴
- طیبی، خدامراد (۱۳۸۷). بررسی رابطه باورهای انگیزشی و راهبردهای خود تنظیمی با پیشرفت تحصیلی در درس تاریخ و ریاضی در میان دانش آموزان نابینا و بینا مقطع راهنمایی شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

Brown , A.L. Bransford , J.C., & Ferrara, R.A. (1983). Learning , remembering and understanding . In : J Flavell & E. Markman (end) , Handbook of child Psychology . Vol .3 : cognitive Development. New York : john Wiley & Sons .

Butler, G. B., Fennell, M., Robson, P., & Gelder, M. (1991). Comparison of behavior therapy and cognitive behavior therapy in the treatment of generalized anxiety disorder. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 59, 167 – 175.

Borkovec, T. D., Ray, Worry :(1987) A cognitive phenomenon intimately linked to affective, physiological, and interpersonal behavioral process. *Cognitive Therapy and Research*, 22, 561 – 576.

Davies, M. I. & Wells, A. (2006). The thought control questionnaire : A measure of individual differences in the control of unwanted thoughts. *Behaviour Research and Therapy*, 32, 871-878.

Efklides, A. (2006). Metacognition and affect: What can metacognitive experiences tell us about the learning process. *Educational Research Review*. 1,3-14.

Everson, H., & Tobias, S. (1998). The ability of estimate knowledge and performance in college : A metacognition analysis. *Instructional science*, 26, 65-79.

Flavell, J.H.(1994). Metacognition and cognitive monitoring : A new area of cognitive developmental inquiry. *American psychologist*, 37,906-911

Matthews, G. & Wells, A (2000). Attention, automaticity, and affective disorder. *Behavior Modification*, 24,69-9

Wells, A. & Matthews, G. (1997). *Attention and Emotion : A Clinical Perspective*. Hove, UK : Lawrence Erlbaum.

Wells, A. (2001) panic disorders in association with relaxation- induced- anxiety: An attentional training approach to treatment. *Behavior Therapy*, 21,273-280

Zimmerman, B.J. (1998). ; Academic staying and the development of personal skill : A self – regulatory perspective ;. *Educational psychologist*. 33, 73-86.

A survey about the role of metacognition perception on educational achievement of Safashahr Payam Noor University scholars

R. Ebdam

Education phd student at Azad University of Arak

Mojtaba.dehdar

Education phd student at Azad University of Arak

Abstract. This research is done with the purpose of investigation about the role of metacognition perception on educational achievement between 352 scholars (113 boys' and 239 girls) of Safashahr Payam Noor University.

In this research, the researcher used categorized random sampling for analysis of data and information and applied Pearson correlation method then, analyzed data with SPSS software. The findings of this research indicated that metacognition perception has a significant relation with educational achievement and total score of metacognition perception and its quintuplet component have a relation with educational achievement. From them the elements of cognition confidence lack to memory and also to measurement of metacognition perception are different between boys and girls, so measurement of metacognition perception is more.

Key words: Metacognition perception, Educational achievement, Mental responsibility